

رفتارهای قلبی و خود ادراکی دانشجو- معلمان تربیت بدنی

نویسندگان: مایکل اسپینل، فلسفتی پتربینگ،
پینتر کریمر، شارنا اسپینل
ترجمه: دکتر جواد آزمون
عضو هیئت علمی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی
دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

مقدمه

برای فهم اینکه افراد چگونه خود آگاهی و هویت اجتماعی شان را از طریق عضویت در گروه‌ها و آشنایی با گروه‌ها و اعضای شان توسعه می‌دهند، اطلاع از رفتارهای قلبی و خود ادراکی‌های آنان اهمیت دارد (هاگ و وانگ، ۲۰۰۸). استادان تربیت بدنی نیز باید با برخی رفتارهای قلبی معلم تربیت بدنی آشنا باشند، تا هنگام تربیت دانشجو- معلمان از اینکه چه طور دانشجو- معلمان تربیت بدنی رفتار قلبی پیدا می‌کنند و آیا ارتباطی بین رفتارهای تحصیل می‌کنند تا معلم شوند) رفتار قلبی پیدا می‌کنند و آیا ارتباطی بین رفتارهای قلبی و اینکه دانشجو- معلمان تربیت بدنی چگونه از خود درک پیدا می‌کنند، ارتباطی وجود دارد یا خیر، آگاهی مختصری داشته باشند.

رفتارهای قلبی از مردم «استرابی و اینسکو، ۱۹۸۹، ۵). رفتارهای قلبی کاربردهای زیادی در جامعه دارند. به کمک آن‌ها می‌توان به سرعت اشخاص را به گروه‌ها نسبت داد و باورهای اختصاصی گروهی از مردم را شناسایی کرد. رفتارهای قلبی گروه‌ها را قادر می‌سازد تفاوت‌های ارزشی خود را با سایر گروه‌های اجتماعی و ایدئولوژی (افکار و عقاید) گروهی شان را حفظ کنند (استرابی و اینسکو، ۱۹۸۹). هنگامی که فردی به گروهی نسبت داده می‌شود، بدین معنی است که آن فرد، گروه و افراد منتسب به گروه

آموزشی

در خصوص معلم تربیت بدنی، انجام یک ورزش، خوش مشربی و پوشیدن لباس ورزشی رفتارهای قابل مشاهده‌ای هستند که ممکن است رفتار قالبی این گروه باشند

لباس‌های ورزشی، معاشرت با دیگران، به گردن انداختن سوت و رفتار کردن به روش‌هایی که زینده حرفه تربیت بدنی هستند، اشخاص را به‌عنوان معلم تربیت بدنی درون گروهی معرفی می‌کنند.

شخص هر چی بیشتر خودش را به اعضای درون گروه خودش نزدیک کند، تفاوت بیشتری نسبت به برون گروهی‌ها پیدا می‌کند و در نتیجه، افتراق و تمایز درون و برون گروهی افزایش می‌یابد. اعضای درون گروهی، علاوه بر درک اینکه عضو گروه هستند، می‌توانند درکی از مشخصه‌های خود نیز داشته باشند. کون (۱۹۸۸) «خویش‌شناسی شخص» را به‌عنوان «درک ذهنی کامل از خود» مشتمل بر تصویری که شخص از بدنش در ذهن دارد و برداشتی که فرد از شخصیت و مقدرات خود دارد توصیف می‌کند. با آگاهی از مشخصه‌هایی که معرف ما هستند، می‌توان به خود ادراکی یا خودآگاهی دست یافت.

این امکان وجود دارد که در بین مردمی که خواهان جذب و استخدام در مراکز تربیت معلم تربیت بدنی هستند، گروهی باشند که رفتاری قالبی شبیه معلمان تربیت بدنی داشته باشند. دانشجو - معلمان تربیت بدنی معمولاً دوست دارند خود را با نقش معلم تربیت بدنی از طریق مشاهده نقش قالبی معلم تربیت بدنی وفق دهند و حتی ممکن است خودشان به یک مدل قالبی از معلم تربیت بدنی تبدیل شوند. این افراد با درک و شناخت خودشان به‌عنوان عضوی از کارکنان حرفه تربیت بدنی، ممکن است ارتباط نزدیکی بین ادراکشان و قالب‌های معلم تربیت بدنی احساس کنند. وقتی که قالب‌ها مشخصه‌های گروه‌های اجتماعی را به‌روشنی بیان می‌کنند و شخص به‌واسطه یک گروه معین و اوقاتی که با آن گروه سپری می‌کند شناخته می‌شود، مشخصه‌های قابل شناسایی آن گروه را در خود به‌وجود می‌آورد و خودش را به‌عنوان عضو گروه درک می‌کند. در خصوص تصور قالبی و خود ادراکی دانشجو - معلمان تربیت بدنی، تحقیقات اندکی انجام گرفته‌اند. با این حال، برخی از مطالعاتی که روی جذب در مراکز تربیت معلم تربیت بدنی انجام شده‌اند، اطلاعاتی در مورد قالب‌ها و

در برخی مشخصه‌ها، ارزش‌ها و باورها شریک هستند (مک گارتی، وای زربت و اسپیرز، ۲۰۰۲).

وقتی که شخصی رفتار گروهی را در فعالیت خاصی مشاهده می‌کند، احتمالاً باور خواهد کرد که بین ویژگی‌ها و توانایی‌های اعضای گروه با مشخصه‌های مورد نیاز برای انجام آن فعالیت، سازگاری وجود دارد (استرابی و اینسکو، ۱۹۸۹). در مدارس، معلمان معمولاً به انجام فعالیت‌های مربوط به وظایفشان مشغول هستند. مثلاً معلم درس صنایع چوب غالباً مشغول ساخت شئی با چوب است، یا معلم زبان انگلیسی غالباً در ساعات استراحت خود در حال کار در کتابخانه دیده می‌شود. در خصوص معلم تربیت بدنی، انجام یک ورزش، خوش مشربی و پوشیدن لباس ورزشی رفتارهای قابل مشاهده‌ای هستند که ممکن است رفتار قالبی این گروه باشند. با استفاده از رفتارهای قالبی، محققان در تربیت بدنی می‌توانند مشخصه‌های عضو یک گروه را ارائه کنند (مک گارتی و همکاران، ۲۰۰۲). برای شناسایی رفتارهای قالبی باید به دنبال یک عنصر حقیقی در آن‌ها بود؛ یعنی یک عقیده مشترک فرهنگی که مردم با رفتار قالبی به شیوه خاصی ارائه می‌کنند (اسپیرز، اوآکیز، ایلمرز، وهاسلام، ۱۹۹۷).

کلیدواژه‌ها: رفتار قالبی، معلم تربیت بدنی، دیدگاه درون گروهی، دیدگاه برون گروهی، هویت اجتماعی، خود ادراکی

دیدگاه‌های درون گروهی و برون گروهی

موقعیت و جایگاه فردی که رفتار قالبی به یک گروه می‌دهد، بر حسب دیدگاه‌های درون گروهی یا برون گروهی، با خروجی و یا رفتار قالبی شده ارتباط مستقیم دارد. دیدگاه درون گروهی را کسانی معرفی کرده‌اند که خودشان رفتارهای قالبی آن گروه (یعنی گروهی که رفتار قالبی دارد) را پذیرفته‌اند و در نتیجه در آن نفع شخصی دارند. در مقابل، دیدگاه برون گروهی را اشخاص یا دسته‌هایی معرفی کرده‌اند که رفتارهای قالبی گروه قالب را ندارند و در مقایسه با گروه خودشان، نسبت به گروه قالب دیدگاه منفی دارند (کون، ۱۹۸۸؛ هاگ و وانگ، ۲۰۰۸). این پدیده با سوگیری درون گروهی مرتبط است. جایی که فرد در داخل گروه برای حفظ یا ارتقای جایگاه اجتماعی گروهش سعی و تلاش می‌کند، گروه خودش را مثبت‌تر از برون گروهی‌ها ارزیابی خواهد کرد. علائم و رفتارها هویت درون گروهی را افزایش می‌دهند. برای مثال، شرکت در فعالیت‌های ورزشی، پوشیدن

موقعیت و جایگاه فردی
می دهد، بر رفتار قالبی به یک گروه
درون گروهی یا برون گروهی،
با خروجی و یا رفتار
قالبی شده ارتباط
مستقیم دارد

خود ادراکی های دانشجو - معلمان
تربیت بدنی به دست می دهند.

رفتارهای قالبی در تربیت بدنی

محققان غالباً می کوشند به این پرسش ها پاسخ دهند: چه کسانی وارد حرفه تربیت بدنی می شوند؟ چرا تربیت بدنی را انتخاب می کنند؟ چه ادراکی از

معلمان تربیت بدنی و به طور اعم از تدریس دارند؟ چه تجربی از ورزش و تربیت بدنی در مدارس دارند؟ تصمیمشان به اینکه معلم تربیت بدنی شوند، متأثر از چه بوده است؟ (مک دانلد، کریک، و برایوکا، ۱۹۹۹؛ اسپیتل، جکسون و کیسی، ۲۰۰۹). فرایند اجتماعی شدن افراد در تربیت بدنی توسط دیدگاه های قالبی کسانی که برای معلم تربیت بدنی شدن مناسب هستند، تحت تأثیر واقع می شود. احتمالاً دانشجویان به سبب موفقیت هایی که به دست آورده اند و علاقه مندی به ورزش و فعالیت بدنی جذب دوره های رسمی تربیت بدنی می شوند (دیوار، ۱۹۸۹). آن هایی که از رفتارهای مطلوب معلمان تربیت بدنی الگویی ندارند و موفقیت های کمی را در کلاس های تربیت بدنی تجربه می کنند، ممکن است در تربیت بدنی پایگاهی به دست نیابند و در این حرفه استخدام نشوند. دانشجو - معلمان تربیت بدنی که تصویر یا مدل مناسبی از معلمان تربیت بدنی ندارند، احتمالاً تجربه ناقصی به دست خواهند آورد و نمی توانند موقعیت درون گروهی خودشان را بین دانشجو - معلمان تربیت بدنی هم گروهشان ارتقا دهند.

یک مفهوم مهم در اجتماعی شدن معلم تربیت بدنی، ادراک شخص وی از مهارت ها و توانایی های مورد نیاز برای اشتغال به این شغل است (دیوار و لاوسون، ۱۹۸۴). شخص با ایجاد و توسعه این ادراک در خلال دوران کودکی، از طریق مشاهده معلمان، والدین و همسالان، علاقه مند می شود ظرفیت ها، ویژگی ها و اشتیاقش را در زمینه تربیت بدنی در مقایسه با درکی که از معلمان تربیت بدنی دارد، محک بزند. این چارچوب مفهومی تحت تأثیر عوامل اجتماعی، تربیتی و روان شناختی، مثل علاقه خانواده به فعالیت بدنی، فواید اقتصادی و پاداش های آموزشی تربیت بدنی است.

تاینینگ، مک دونالد، رایست و هی کی (۲۰۰۱) نمونه ای از

یک فرد شیفته تربیت معلم تربیت بدنی و «نگاهی» را که می تواند روی مستخدمان برنامه های تربیت معلم تربیت بدنی اثر داشته یا نداشته باشد، در نظر گرفتند. این «نگاه» حکم شخصی را که مشتمل است بر «لاغر یا عضلانی پیکر، قوی بنیه، ناهم جنس خواه، دارای بدنی مستعد، دارای بدنی فبراق» را تجویز می کند (تاینینگ و همکاران، ۲۰۰۱: ۸۶)، یعنی جوانی که لباس های ورزشی می پوشد و ورزشکار و سفید پوست است. او بریانت و همکارانش (۲۰۰۰) که استخدام معلمان تربیت بدنی را بررسی کردند، دریافتند که خانواده و دوستان در استخدام آنان تأثیری نداشته است. به علاوه، تصمیم های حمایتی اولیه برای الزام معلم تربیت بدنی به استخدام و داوری نقادانه برای تغییر حرفه وجود نداشته است. زمانی که حرفه تربیت بدنی با حرفه های دیگری مثل پزشکی و حقوق مقایسه می شود، ممکن است به ادراک منفی افراد حاضر در حرفه تربیت بدنی بینجامد.

پایگاه مردمی معلمان تربیت بدنی

تعریف و توصیف معلمان تربیت بدنی در فرهنگ عامه، عقیده کلیشه بودن اختصاصات معلمان تربیت بدنی را تقویت می کند (دانکن، نولان و وود، ۲۰۰۲). در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، یعنی هنگامی که جنبش فمینیستی به درک ماهیت جنسیتی تربیت بدنی نیاز داشت، تحقیق روی کلیشه بودن خصوصیات معلمان تربیت بدنی شایع بود. معلمان تربیت بدنی عموماً به عنوان مذکر، سفید پوست، مرد صفت در رفتار و هیکل تیپ سازی می شدند (نتل تون، ۱۹۸۵). کلیشه هایی که قبلاً به معلمان تربیت بدنی نسبت داده شده اند عبارتند از برخی توصیفات مثبت مثل مهربان، ورزشکار، مرتب و منظم، تندرست، الگوی خوش نقش برای جوانان و در مقابل، برخی توصیفات منفی مثل شوخ، قلدر، لوده، هم جنس باز، کند ذهن، زشت، آقامنش، و کنایه پران (دانکن و همکاران، ۲۰۰۲؛ مک کولیک، بلچر، هاردین، و هاردین، ۲۰۰۳؛ اوریلی، ۲۰۰۰؛ تاینینگ و همکاران، ۲۰۰۱).

تحقیقات مبتنی بر دیدگاه برون گروهی در بررسی رسانه ها، به بررسی ایفای نقش معلمان تربیت بدنی در فیلم ها پرداخته اند. برای مثال، دانکن و همکارانش (۲۰۰۲) و مک کولیک و همکارانش (۲۰۰۳) نقش های معلمان تربیت بدنی را در فیلم ها چنین جمع بندی کرده اند: جنسیتی، گیج و پریشان، و دارای ابهام در نقش به ویژه نقش مربی، غیر علمی نشان دهنده تربیت بدنی به دلیل ناتوانی در تدریس، دارای نگرش منفی نسبت به دانش آموزان و استفاده از تحقیر، طعنه و خشونت در تدریس. اما جنبه های مثبتی هم وجود داشته است. مثلاً دانکن و همکارانش (۲۰۰۲) در

توصیف نقش‌های معلمان تربیت‌بدنی عموماً چنین اظهار داشته‌اند: قبراق، ملبس به لباس مناسب و گاهی دلسوز در انجام مسئولیت‌ها.

آنچه که از معلمان تربیت‌بدنی در وسایل ارتباط جمعی عرضه می‌شود، جنسی است. مثلاً مردانی به تصویر کشیده می‌شوند که به دلیل افزایش بیش از حد هورمون، هر زنی را که می‌بینند، تعقیب می‌کنند، میل شدید به لکه‌دار کردن دانش‌آموزان مؤنث دارند و عامل زیبایی بدنی را هم به‌عنوان عامل انگیزه شهوانی جوانان و هم به‌عنوان هم‌جنس‌باز به تصویر می‌کشند. (دانکن و همکاران، ۲۰۰۲؛ مک کیولیک و همکاران، ۲۰۰۳). چنین تعمیم‌هایی می‌تواند بر دیدگاه‌های اجتماعی نسبت به معلمان تربیت‌بدنی تأثیر بگذارد. آنچه دربارهٔ کلیشه جنسی که به معلمان تربیت‌بدنی نسبت می‌دهند ناشناخته است، تأثیر این کلیشه‌ها روی کسانی است که در حال بررسی و مطالعه هستند تا معلم تربیت‌بدنی بشوند. در این زمینه تحقیقات کمی توسط طرفداران دیدگاه درون گروهی انجام شده‌است. هریس و گریفین (۱۹۹۷) طی مطالعه‌ای کلیشه‌ها و باورهای شخصی در مورد معلمان زن تربیت‌بدنی را از منظر درون گروهی بررسی کردند. آن‌ها دریافتند که معلمان تربیت‌بدنی مؤنث چنین دیده می‌شوند: بسیار ورزشی، سستیزه‌جو، هماهنگ، قبراق، خشنود از بدنشان، و مرد صفت (هم‌جنس‌باز، فیمینیست، مجرد و غیرزنانه) که نسبت به بیشتر زنان زیبایی و هوش کمتری دارند.

تاینینگ و همکارانش (۲۰۰۱) سیمای جسمانی معلمان تربیت‌بدنی را به طبیعت جنسی کلیشه‌ها در تربیت‌بدنی پیوند دادند. آن‌ها خصوصیات مثل دارای تیپ عضلانی، قوی بنیه بودن، ناهم‌جنس‌خواهی، استعداد بدنی و سرحالی بدنی (قبراق بودن) را که برای معلم خوب برشمرده می‌شوند، با چالش‌های زنانه پیش روی نگاه کلیشه‌ای و زنانه باقی ماندن مقایسه کردند. آن‌ها دریافتند تا وقتی که دانشجویان رشته تربیت معلم تربیت‌بدنی از رفتار زنانه (موی بلند، آرایش و مدیرستی) پیروی می‌کنند، برایشان سخت است در محیطی کاملاً مردانه، حس زنانه خودشان را حفظ کنند. در مقابل، مردانی که در کلاس‌های تربیت معلم تربیت‌بدنی به خطری رفتاری، دلآوری ورزشی، و مردصفتی ترغیب می‌شوند با تناقض هویت مواجه می‌شوند.

ضرورت انجام تحقیق در خصوص رفتار کلیشه‌ای و خود ادراکی

یافته‌های تحقیقی نشان داده‌اند که نوعاً رفتارهای قالبی معلمان تربیت‌بدنی مشتمل‌اند بر: قبراق بودن، تندرست بودن، ورزشی بودن (یا ورزشکار)، قوی بنیه‌بودن (تاینینگ و

همکاران، ۲۰۰۱) مردصفت‌بودن، مذکر بودن، سفیدپوست بودن (نیتلتون، ۱۹۸۵) مرتب و منظم بودن، کند (یا کم) ذهن‌بودن، عضلانی بودن، قلدر بودن، آقامنش بودن و پرخاشگر بودن (دانکن و همکاران، ۲۰۰۲؛ هریس و گریفین، ۱۹۹۷؛ مک کیولیک و همکاران، ۲۰۰۳). این‌ها رفتارهای قالبی معلمان تربیت‌بدنی هستند و ممکن است این انتظار به‌وجود آید که دانشجو - معلمان تربیت‌بدنی نیز خواستار داشتن رفتار قالبی به‌همین منوال باشند. دیدگاه‌های حامی رفتار قالبی یافتن درون گروهی (یا باندی و محفلی) ممکن است با رفتارهای قالبی که توسط برون گروه‌ها ابراز می‌شوند، مغایر باشند. بنابراین، اجرای تحقیق بیشتری روی تربیت‌بدنی درون گروهی (یا باندی و محفلی) ضروری است.

نظریه‌های اجتماعی‌سازی و هویت اجتماعی اظهار می‌دارند که وقتی یک فرد با گروهی هویت پیدا می‌کند (شناخته می‌شود)، برخی مشخصه‌ها، ارزش‌ها و باورهایش را با سایر افرادی که مثل او با آن گروه هویت یافته‌اند، تقسیم خواهد کرد (مک گرتی و همکاران، ۲۰۰۲). به‌علاوه، فرایند اجتماعی‌شدن افراد در تربیت‌بدنی تحت تأثیر دیدگاه‌های قالبی کسی قرار می‌گیرد که برای معلم تربیت‌بدنی شدن مناسب است. اشخاصی که به سیاق رفتارهای مطلوب معلمان تربیت‌بدنی عمل نمی‌کنند، یا با تربیت‌بدنی هویت پیدا نمی‌کنند، ممکن است در این حرفه استخدام نشوند. اشخاصی که در تربیت معلم

تربیت‌بدنی، تصویر مناسبی یا الگوی مناسبی از یک معلم تربیت‌بدنی ندارند، احتمالاً نه تنها موفقیت ناقصی را تجربه می‌کنند، بلکه به موقعیت‌های درون گروهی و در حد و اندازه‌های دانشجویی ارتقا نمی‌یابند و ممکن است حذف شوند. این نقص در هویت‌یابی از طریق گروه ممکن است نقص در هویت‌یابی با تصورات قالبی مناسب فرض شده برای معلمان تربیت‌بدنی استنباط شود.

منبع

Spittle, M, Petering, F., Kremer, P., Spittle, S. (2011) "Stereotypes and Self - Perception of Physical Education Pre- Service Teachers", Australian Journal of Teacher Education: Vol.37: SS.1, Article2.

نظریه‌های اجتماعی‌سازی و هویت اجتماعی اظهار می‌دارند که وقتی یک فرد با گروهی هویت پیدا می‌کند (شناخته می‌شود)، برخی مشخصه‌ها، ارزش‌ها و باورهایش را با سایر افرادی که مثل او با آن گروه هویت یافته‌اند، تقسیم خواهد کرد